

زیارت راهی بسوی تقرب الی الله





مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء
محمد مصطفی و آل طاهرینش

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۖ

(شوری ایه 23)

بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکان
را [که بنابر روایات بسیار اهل بیت - علیهم السلام - هستند] را نمی
خواهم.

از بهترین هدایای خداوند مهربان به بشریت، محبت به اهل بیت می
باشد.

اهل بیت علیهم السلام نزد خدا مقام بالایی دارند و ما می توانیم با
محبت به آنها به خدا تقرب پیدا کنیم.

یکی از راههای ابراز محبت به اهل بیت (ع)، زیارت حرم های ایشان می باشد.

لذا پیامبر خدا و امامان ما سفارشات فراوانی به رفتن به زیارت قبور منور اهل بیت (ع) کرده اند.

به عنوان نمونه:

امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: «هر کس قبر حسین (ع) را با معرفت زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد^۱

امام صادق (ع) فرمودند: «اگر مردم بدانند چه چیزی در زیارت امام حسین (ع) می باشد با شمشیر برای زیارت حسین (ع) با یکدیگر به قتال می پرداختند و اموال خود را برای تشریف به زیارت می فروختند، فاطمه زهرا (س) در حالی که هزار پیامبر و هزار صدیق و هزار شهید و هزار ملائک با آن حضرت هستند به زائران حسین بن علی (ع) نظر رحمت می کند و هر خیری را از خدای سبحان برای آن افراد (زائران) درخواست می کند^۲

۱. صدوق، امالی، ترجمه کمره ای، ۱۳۷۶ ش، مجلس بیست و نهم، ص ۱۴۲

۲. نجفی، محمد جواد، زندگانی حضرت امام حسین (ع)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۵۷

علاوه بر قبور منور یازده امام علیهم السلام، چندین هزار امامزاده در ایران و عراق و کشورهای اسلامی وجود دارد که در ایران حدود شش هزار امامزاده است که زیارت این امامزادگان هم فضیلت فراوانی دارد و باعث تقرب الی الله است. در این کتاب درباره زیارت از ابعاد مختلف مطالب متنوعی آورده شده است.

تابستان 1405. کرمانشاه

زیارت یکی از مهمترین راههای تقرب الی الله است. و زائر می تواند با رعایت اداب زیارت، بهترین زیارت را انجام دهد و سود معنوی فراوانی نصیب خود کند.

اولین شرط زیارت آنست که تلاش کند با معرفت زیارت کند. زیرا در بیانات اهل بیت بر زیارت با معرفت خیلی تاکید شده است از جمله:

امام رضا(ع) فرمودند: «هر زائری که مرا در غربت با معرفت زیارت کند در سه موقف هولناک به یادش هستم، اول؛ در هنگامه سخت مرگ و جان دادن، دوم؛ در زمان سنجش اعمال و سوم؛ در لحظه عبور از صراط.

».

زیارت با معرفت یعنی:

زائر باید آگاه باشد بر اینکه کجا می رود ، در چه محل هایی قدم بر میدارد ، مزور او چه اشخاصی هستند؟ دارای چه جایگاه و مرتبه ای در نظام آفرینش و در نزد پرورگار هستند؟ خود کیست؟ چرا می رود؟ به چه نیتی می رود؟ زیارتش دارای چه میزان خلوص است؟ چرا به زیارت این ارواح طیبه نیاز دارد؟ زیرا پاداش زیارت هر کسی به میزان شناخت و معرفت و اخلاص او بستگی دارد.

هر ساله افراد زیادی به مشهد و کربلا و سایر زیارتگاهها می روند ولی:

ما افرادی رو سراغ داریم اینا شاید کربلا رفتن

ولی یه نکته‌ای که هست اینه که می‌بینی که بعضیا هستن ۲۰ بار کربلا رفتن ولی نماز نمی‌خونن روزه نمی‌گیرن. یا مثلا دختره حجابش هیچ خوب نیست هر سال میره کربلا ولی در طول سال با این بدحجابیش بارها گناه مرتکب می‌شه.. پس این که امام کاظم فرمود با معرفت یه معنای اینه که وقتی میری کربلا برمیگردی. یه آدم بهتری بشی.

اگه بی نماز بودی با نماز بشی. اگر زن بدحجاب بود باحجاب بشه. یا اگر ادم بدی بود ادم خوبی بشه مثل طیب رضایی این چاقو کش بود مرتب تو بازار میدان بار تهران چاقو کشی می‌کرد برادر ایشون آمد خدمت یکی از علماء و عرض کرد ما این برادرمون هر روز کلانتری هر روز زندان هر روز دعوا چه بکنیم با این برادرمون چاقو کشه اون عالم فرمود اینو ببرید کربلا بردنش کربلا چه کرد امام حسین با ایشون که همونجا قسم خورد تا آخر عمرش دیگه چاقو کشی نکنه.

قبلش جزو طرفداران پهلوی بود وقتی که برگشت شد جزو دشمنان پهلوی بعدم دستگیرش کردن و اعدامش کردن و شد حر انقلاب. مانند حر که قبلش جز لشکر یزید بوده بعد جزو شهدای کربلا شد.

اینجوری باید باشه زائر امام حسین

یا یکی از علما می گفت من با اتوبوس مشهد می رفتم برای نماز و ایستاد غیر از من کسی پیاده نشد که نماز بخونه آقا شما دارید می رید حرم امام رضایی که شبی ۱۰۰۰ رکعت نماز می خوند

میگند یه کسی بود نماز نمی خوند روزه هم نمی گرفت ولی ماه رمضان بلند می شد سحری می خورد بهش گفتن آقا شما که نماز نمی خونی روزه هم که نمی گیری پس چرا بلند میشی سحری می خوری می گفت اگر سحری نخورم که کافرم!! اینام اینجورین نماز نمی خونن روزه نمی گیرن خانم حجاب رعایت نمی کنه ولی هر سال کربلا میره که بگه من مسلمانم شیعه هستم

ما هیئتی داشتیم قبلا تو این مسجد خوب یک کمی زیاده روی هایی کردن و بالاخره منجر به این شد که از این مسجد رفتن حسینیه مقابل یکی از زیاده روی هاشون این بود که من شب میلاد حضرت زهرا شنیدم اینا دارن سینه می زنن تو مسجد طبقه بالا لباس پوشیدم آمدم رفتم طبقه بالا دیدم اینا شب میلاد

حضرت زهرا لخت شدن سینه میزنند میکروفون از اون مداحشون گرفتم گفتم
شما چه فرقه‌ای هستید

این خیلی بده که انسان با معرفت زیارت نکنه چون اگه با معرفت زیارت کنه این
حرکات ازش صادر نمی‌شه منقلب می‌شه کربلا برای چی ما گفتن بریم کربلا
مگه امام حسین به ما نیاز داره امام حسین نیاز نداره ابدا

برای اینکه ما وقتی میریم کربلا به خدا بیشتر نزدیک بشیم اصلاً تمام هدف قرآن
و پیامبران و همین نماز می‌خونیم و زیارت که می‌کنیم همش هدفش اینه که ما به
خدا نزدیک بشیم خداشناس بشیم تقرب به خدا پیدا کنیم عبد خدا بشیم. وقتی ۱۰
بار ۲۰ بار رفتی کربلا او مدی هیچ فایده‌ای نداشت همون بد اخلاق هستی با
خانوادت بد اخلاقی می‌کنی نماز نمی‌خونی اگر کاسب هستی به مردم ظلم
می‌کنی اجحاف می‌کنی اگه کارمند هستی رشوه می‌گیری خب چه فایده داره ما
یکی از برادران گاهی میومد مسجد یه بار بحث خمس شد گفت خمس من
حساب کن گفت سیصد میلیون تو حساب دارم. گفتم 60 میلیون خمسش میشه
اصلاً نداد!

کربلا شاید سالی سه بار چند بار میره لذا اینه که

میگن با معرفت زیارت کنید هدف اینه که ما کربلا میریم تو عمرمون یه بار بریم کربلا ولی با معرفت نه اینکه ۲۰ بار ۳۰ بار بریم ولی بی معرفت، فایده‌ای نداشته باشه فقط به ما بگن کربلایی.

زیار کربلا باید قبل از رفتن به کربلا درباره حسین شناسی مطالعه کند.

مثلاً اینکه در زیارت عاشورا آمده مصیبت امام حسین (ع) بزرگترین مصیبت در اسمانه و زمین است یعنی چه؟

میتواند با این مطلبی که آورده میشود کمی متوجه بزرگی مصیبت امام حسین علیه السلام بشود:

چرا مصیبت امام حسین علیه السلام بزرگترین مصیبت در اسمانها و زمین است؟
خصوصیاتی در حادثه کربلا است که وقتی همه در کنار هم جمع می‌شوند، واقعاً در نوع خود از جهت مظلومیت و مصیبت باربودن، بی نظیر است.

:ما می‌توانیم چند تا از این خصوصیات را ذکر کنیم

در کربلا حجت خدا و پسر پیامبر (ص) را شهید کردند. 2- شهادت او بدست 1- کسانی بود که او را دعوت نمودند تا او را یاری نمایند! 3- پسران و برادران و دیگر اقوام و یارانش را قبل از او بشهادت رساندند! 4- کسانی او را شهید کردند که در

ظاهر مسلمان بودند و نماز می خواندند و خود را پیرو جدّ حسین (ع) می دانستند! 5-
مردمی او را شهید کردند که کاملاً او را می شناختند و از مقام و منزلت او آگاهی
داشتند! 6- با اینکه در کنار آب فرات بود ولی او را تشنه شهید نمودند و آب
را بر کود کان و اهل حرمش، بستند! 7- بعد از کشتنش، اموال او را حتی 'وسایل
شخصی او از قبیل انگشتر و نعلین و عمامه اش را غارت نمودند! 8- خیمه هارا آتش
زدند و اهل بیتش را ترساند و آزار رساندند! 9- اهل بیت او را که منسوب به
پیامبرشان بود، به اسیری بردند! 10- سر مقدّسش را بر بالای نیزه در شهرها
گرداندند! 11- بر بدن نازنینش، اسب راندند! 12- سه روز بدنش بر روی خاک
افتاده بود و کسی نبود تا او را دفن کند تا عاقبت اهل روستاها آمدند و او را دفن
نمودند! 13- کسی دستور کشتن او را داد (یزید) که جدّ و پدرش آزاد کرده
جدّ حسین (ع) بودند! 14- او را بدون جرم و گناهی کشتند! 15- کسانی او را تشنه
شهید کردند که گروهی از آنها چند روز قبل بوسیله همین حسین (ع) از تشنگی
نجات یافتند! (لشگر حرّ) 16- بخاطر تبلیغات سوء، مردم شام شهادت او را جشن
گرفتند 17- همه موجودات حتّی 'ماهیان دریا و درختان برای او اشک ریختند 18-
تا سه روز هر سنگی که بر می داشتند زیر آن خون جاری بود. 19- آسمان تا
چهل روز در عزای او گریست. 20- سر بریده او در چند جا تکلم نمود. 21- خون

او و خون علی اصغر و خون علی اکبر که به آسمان پخش شد برنگشت 22-
...بدترین فرد {شمر} بر روی سینه بهترین فرد {امام حسین ع} نشسته بود و

درباره‌ی مصیبت امام حسین (علیه السلام) : از امام زمان علیه السلام نقل شده
بکت السماء و سگانها و الجنان و خزائنها و الهضاب و اقطارها، و « : می‌فرماید
البحار و حیتانها، و الجنان و ولدانها و البيت و المقام، و المشعر الحرام، و الحلّ و
آسمان و ساکنانش، و بهشت و خزینه دارانش، و کوه‌های گسترده بر : الحرام
روی زمین و کرانه‌هایش، و دریاها و ماهیان‌ش، و جنیان و فرزندان‌شان، و خانه‌ی
خدا و مقام ابراهیم، و مشعر الحرام، و حلّ و احرام، بر او گریستند ایه الله شیخ
محمد تقی املی فرمودند: «در حدود چهل سالی سن داشتم که رفتم قم. روز
عاشورا بود و در صحن مطهر حضرت معصومه (س) روضه می‌خواندند. خیلی
متأثر شدم و زیاد گریه کردم. بعد از آن، آمدم قبرستان شیخان و زیارت اهل
در این هنگام دیدم: تمام .قبور: «السلام علی اهل لا اله الا الله...» را خواندم
ارواح، روی قبرهایشان نشسته‌اند و همگی گفتند: علیک السلام. شنیدم زمزمه‌ای
داشتند. مثل این که درباره‌ی امام حسین علیه السلام و عاشورا بود جابر بن عبدالله به
حضرت سجاد «سلام الله علیه» عرض کرد: هنوز وقت آن نشده که گریه‌های خود

يعقوب نبی پیامبر «: را کم کنید؟ چرا اینقدر گریه و بی تابی میکنید؟ فرمودند بود و فرزند پیامبر و دوازده پسر داشت، خداوند یکی را گرفت و غایب شد و میدانست یوسف زنده است. موی سر و صورتش سفید شد و قدش خمید و از شدت غصه دیدگانش را از دست داد، و (این حالات) همه در حالی بود که می دانست پسرش زنده است؛ ولی من، پدر و برادرانم و هفده نفر از خانواده ام را از دست دادم. عصر عاشورا از گودال قتلگاه عبور کردیم، دیدم همه ی این ها به خاک و خون غلطیده اند؛ هرگاه آب میخورم، یاد لب تشنه ی ابا عبدالله «سلام الله علیه» می افتم. هر وقت میبینم قصابی گوسفندی را ذبح می کند، به یاد این می افتم که پدرم را با لب تشنه کشتند؛ هر وقت بچه ای میبینم، یاد علی اصغر «سلام الله علیه» می افتم؛ هر وقت جوانی را میبینم یاد علی اکبر و عباس «سلام الله علیهما» «میکنم. چگونه گریه ها را تمام و کم کنم؟»

داستانی از یک زائر با معرفت

داستان مردی که به زیارت امام حسین علیه السلام نمی‌رفت شخصی از بزرگان هند به قصد مجاورت کربلای معلی به این شهر آمد و مدت شش ماه در آنجا ساکن شد و در این مدت داخل حرم مطهر نشده بود و هر وقت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را اراده می‌کرد، بر بام منزل خود رفته، به آن حضرت سلام می‌کرد و او را زیارت می‌نمود؛ تا این که سرگذشت او را به «سید سید .مرتضی» که از بزرگان آن عصر و مرسوم به «نقیب الاشراف» بود رساندند مرتضی به منزل او رفت و در این خصوص او را سرزنش نمود و گفت: «از آداب زیارت در مذهب اهل بیت علیه السلام این است که داخل حرم شوی و عقبه و ضریح را ببوسی. این روشی را که تو داری، برای کسانی است که در شهرهای آن مرد چون این سخن را «دور می‌باشند و دستشان به حرم مطهر نمی‌رسد

شنید گفت: «ای نقیب الاشرف» از مال دنیا هر چه بخواهی از من بگیر و مرا از هنگامی که سید مرتضی سخن او را شنید بسیار ناراحت شد و رفتن معذور دار گفت: «من که برای مال دنیا این سخن را نگفتم؛ بلکه این روش را بدعت و وقتی آن مرد این سخن را شنید، آه». زشت می دانم و نهی از منکر واجب است سردی از جگر پر دردش کشید. سپس از جا برخاست و غسل زیارت کرد و بهترین لباسش را پوشید و پا برهنه و با وقار از خانه خارج شد و با خشوع و خضوع تمام، نالان و گریان متوجه حرم حسینی گردید تا این که به در صحن نخست سجده شکر کرد و عتبه صحن شریف را بوسید. سپس . مطهر رسید برخاست و لرزان، مانند جوجه گنجشکی که آن را در هوای سرد در آب انداخته باشند، بر خود می لرزید و با رنگ و روی زرد، همانند کسی که یک سوم روحش خارج گشته باشد، حرکت می کرد تا این که وارد کفش کن شد. دوباره سجده شکر به جا آورد و زمین را بوسید و برخاست و مانند کسی که در حال احتضار باشد داخل ایوان مقدس گردید و با سختی تمام خود را به در رواق رسانید چون چشمش به قبر مطهر افتاد، نفسی اندوهناک بر آورد و مانند زن بچه مرده، ناله جانسوزی کشید. سپس به آوازی دلگداز گفت: «أَهَذَا مَصْرَعٌ سِيدُ الشَّهَدَاءِ؟ أَهَذَا مَقْتَلُ سِيدِ الشَّهَدَاءِ؟ ؛ آیا اینجا جای افتادن امام حسین علیه

پس فریاد «السلام است؟ آیا اینجا جای کشته شدن حضرت سیدالشهداء است؟

کشید و نقش زمین شد و جان به جان آفرین تسلیم نمود و به شهیدان راه حق

..پیوست